



دانشگاه باقر العلوم علیه السلام

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد
رشته: فلسفه و کلام اسلامی

عنوان:

جایگاه حکمت در مدینه فاضله از منظر افلاطون و فارابی

استاد راهنما:

حجت الاسلام دکتر یارعلی کرد فیروزجایی

استاد مشاور:

حجت الاسلام دکتر محسن رضوانی

نگارش:

محمد صادق تقی زاده طبری

خرداد 1391

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقدیم:

این اثر را به فقیه عالیقدر، استادگرانمایه و بزرگوارم حضرت آیه الله محمدی (حفظه الله) تقدیم می‌دارم که در راه اعتلای کلمه حق، سالیان متمادی زحمتهای فراوان و رنج‌های بسیاری متحمل شده‌اند تا زمینه را برای ظهور آن تجلی اتم و اکمل حکمت بر روی زمین، حاکم علی الإطلاق معموره فاضله موعود، حضرت بقیه الله الأعظم (روحی و أرواح العالمین لتراب مقدمه الفداء) فراهم آورند.

تقدیر و تشکر

«من لم يشكر المخلوق لم يشكر الخالق.»

خدای وجود آفرین را سپاس که هر گونه سپاسگذاری از او مستلزم شکری دیگر است. او را سپاس که حکمت حقیقی از چشمه سار وحی او و به واسطه رسولان او بر افق تفکر بشر پرتو افکند. و سلام و درود به محضر مقدس ائمه اطهار (علیهم السلام).

از اساتید گرانقدر حضرت حجه الإسلام دکتر فیروزجایی و حجه الإسلام دکتر رضوانی که با دقتی ستودنی زحمت راهنمایی و مشاوره این پایان نامه را بر عهده داشتند، و نیز حجه الإسلام کردی لواسانی مدیریت محترم مجتمع شهید صدوقی (ره) صمیمانه قدردانی می نمایم.

امتنان قلبی ام هماره نثار پدرم، استاد ابراهیم تقی زاده طبری است که نصایح حکیمانه شان افق های تازه ای به رویم گشود و نیز از دعا های خالصانه مادر مهربانم که همیشه قوت قلبم بوده اند و همچنین از نکات راهگشای برادرم، دکتر اباصالح تقی زاده طبری تشکر می کنم.

بدون شک از حسن مرافقت و همراهی همسر فهیم و عزیزم که در همه مراحل خصوصاً تدوین و به ثمر رساندن این رساله، یار و مددکار و هم فکرم بوده، نیز در جهت ویراست نهایی این نوشتار، زحمات زیادی متحمل شده اند، صمیمانه سپاسگذارم.

چکیده

انسان به عنوان موجودی که دارای سرشتی اجتماعی بوده و ذاتاً به دنبال سعادت و کمال است نیازمند بستری مطلوب برای نیل به اهداف عالیه خود می باشد.

جامعه در پرتو حکمت بهترین زمینه برای ظهور و بروز استعدادهای بالقوه در انسان است تا بتواند با به فعلیت رساندن آن قوا به کمالات والای انسانی دست یابد. افلاطون به عنوان نخستین فیلسوف با طرحی نوین در قالب آرمان شهر و جامعه فاضله در این عرصه گام نهاد. پس از او نیز فارابی به عنوان مؤسس فلسفه اسلامی با بهره گیری از منابع وحی و تعالیم دین مبین اسلام در جهت اعتلای مقامات انسانی، ایده مدینه فاضله را مطرح کرد. هر دو فیلسوف با بیان اینکه تنها از راه جامعه حکمت محور می توان به سعادت حقیقی دست یافت، شرط اساسی و بنیادین تشکیل چنین اجتماعی را حاکم حکیم و زمامدار فیلسوف می دانند.

در حقیقت آن چه در منظومه فکری این دو پیشگام در طرح مدینه فاضله ضرورت پیدا می کند، زیستن در پرتو حکمت و حکومت حکیم است که موجبات سیر صعودی و در نهایت وصول به قله کمال را فراهم می آورد. از این رو نوشتار حاضر به تبیین و توضیح جایگاه حقیقی حکمت در مدینه فاضله افلاطون و فارابی پرداخته است.

کلید واژه ها: حکمت، مدینه فاضله، اجتماع، حاکمان، شهروندان، افلاطون، فارابی

فهرست مطالب

1	فصل اول: مفاهیم و کلیات
2	گفتار اول: طرح تفصیلی
2	بیان مسئله:
3	اهمیت و فایده تحقیق:
4	سابقه تحقیق:
4	اهداف تحقیق:
4	سؤالات اصلی و فرعی تحقیق:
5	سؤال اصلی:
5	سؤالات فرعی:
5	فرضیه‌های تحقیق:
5	روش تجزیه و تحلیل اطلاعات:
6	گفتار دوم: معرفی مختصر افلاطون
6	دوره اول: دوره حیات سقراط
7	دوره دوم: پس از مرگ سقراط
7	دوره سوم: بازگشت به آتن
8	آثار افلاطون
10	گفتار سوم: معرفی مختصر فارابی
13	گفتار چهارم: مفهوم شناسی
13	بخش اول: حکمت و فلسفه
13	ریشه اصلی حکمت نزد لغویون:
15	واژه حکمت

16..... حکمت و فلسفه:

18..... مدینه فاضله

Error! Bookmark not defined. **فصل دوم: مدینه فاضله از دیدگاه افلاطون و فارابی**
defined.

Error! Bookmark not defined. **گفتار اول: مدینه فاضله (چیستی، هدف، وظایف)**

Error! Bookmark not defined. بخش اول: چیستی و ماهیت مدینه فاضله

Error! Bookmark not defined. بخش دوم: هدف مدینه فاضله
دیدگاه افلاطون:

.....
28

دیدگاه فارابی:

.....
29

Error! Bookmark not defined. الف) کمال:

Error! Bookmark not defined. ب) سعادت:

Error! Bookmark not defined. ج) فضیلت:

Error! Bookmark not defined. د) خیر:

Error! Bookmark not defined. بخش سوم: وظائف مدینه فاضله

Error! Bookmark not defined. **گفتار دوم: اقسام مدینه فاضله و غیر فاضله**
دیدگاه افلاطون:

.....
35

Error! Bookmark not defined. آریستو کراسی

Error! Bookmark not defined. تیمو کراسی

الیگارشىError! Bookmark not defined.

چگونگی انتقال نظام تیموکراتی به نظام الیگارشىError! Bookmark not defined.

سیرت خاص و عیب‌های این نوع حکومتError! Bookmark not defined.

دمو کراسىError! Bookmark not defined.

چگونگی تحول نظام الیگارشى به نظام دمو کراسىError! Bookmark not defined.

صفات مشخصه حکومت دمو کراسىError! Bookmark not defined.

استبدادError! Bookmark not defined.

چگونگی پیدایش فرد مستبدError! Bookmark not defined.

صفات فرد مستبدError! Bookmark not defined.

صفات جامعه مستبدError! Bookmark not defined.

دیدگاه فارابى:

.....

49

1. حکومت فردى:Error! Bookmark not defined.

1/1. ریاست اولى:Error! Bookmark not defined.

2/1. ریاست تابعه مماثلError! Bookmark not defined.

3/1. ریاست سنت:Error! Bookmark not defined.

2. حکومت جمعى:Error! Bookmark not defined.

1/2 - ریاست رؤسای سنت:Error! Bookmark not defined.

2/2 - ریاست رؤسای افاضل:Error! Bookmark not defined.

گفتار سوم: طبقات اهل مدینه فاضلهError! Bookmark not defined.

دیدگاه افلاطون:

57

دیدگاه فارابی:

60

1- أفاضل Error! Bookmark not defined.

2. حمله الدین و ذوالألسنة Error! Bookmark not defined.

3. مقدرون Error! Bookmark not defined.

4. مالیون Error! Bookmark not defined.

5. مجاهدون Error! Bookmark not defined.

گفتار چهارم: رئیس مدینه فاضله (اوصاف و شرایط) Error! Bookmark not defined.

دیدگاه افلاطون:

69

دیدگاه فارابی:

71

نوع اول رهبری: رئیس اول Error! Bookmark not defined.

نوع دوم رهبری: ریاست تابعه مماثل Error! Bookmark not defined.

نوع سوم رهبری: ریاست سنت Error! Bookmark not defined.

نوع چهارم رهبری: رؤسای سنت Error! Bookmark not defined.

نوع پنجم رهبری: رؤسای أفاضل Error! Bookmark not defined.

فصل سوم: نقش حکمت در مدینه فاضله افلاطون و فارابی .. Error! Bookmark not defined.

گفتار اول: چستی و اقسام حکمت..... Error! Bookmark not defined.

1. تعریف حکمت..... Error! Bookmark not defined.

2. اقسام حکمت..... Error! Bookmark not defined.

1/2. تعریف حکمت نظری و عملی..... Error! Bookmark not defined.

2/2. اقسام حکمت نظری و عملی..... Error! Bookmark not defined.

الف: حکمت نظری..... Error! Bookmark not defined.

ب: حکمت عملی..... Error! Bookmark not defined.

3/2. فرق حکمت نظری و عملی با عقل نظری و عملی..... Error! Bookmark not defined.

گفتار دوم: حکمت و حاکمان..... Error! Bookmark not defined.

حکمت و حاکمان از منظر افلاطون..... Error! Bookmark not defined.

تمثیل غار افلاطون..... Error! Bookmark not defined.

دوره‌های مختلف تربیتی برای رسیدن به زمامداری جامعه .. Error! Bookmark not defined.

حکمت و حاکمان از منظر فارابی..... Error! Bookmark not defined.

فرق تعقل و حکمت..... Error! Bookmark not defined.

اقسام تعقل..... Error! Bookmark not defined.

تشبیه رئیس مدینه به طیب..... Error! Bookmark not defined.

گفتار سوم: حکمت و شهروندان مدینه فاضله..... Error! Bookmark not defined.

حکمت شهروندان از منظر افلاطون..... Error! Bookmark not defined.

حکمت و شهروندان از منظر فارابی..... Error! Bookmark not defined.

حکمت نظری شهروندان..... Error! Bookmark not defined.

آراء در اشیاء نظری..... Error! Bookmark not defined.

Error! Bookmark not defined.آراء در اشیاء ارادی

Error! Bookmark not defined.حکمت عملی شهروندان

Error! Bookmark not defined.نقش اساسی شهروندان

Error! Bookmark not defined.بررسی مقایسه‌ای شهروندان مدینه فاضله افلاطون و فارابی

Error! Bookmark not defined.بررسی تحلیلی حکمت از منظر افلاطون و فارابی

Error! Bookmark not defined.خاتمه و جمع‌بندی

130.....منابع و مآخذ

فصل اول: مفاهيم و کلیات

گفتار اول: طرح تفصیلی

بیان مسئله:

هدف بشر رسیدن به سعادت و کمال جاودانه است. اما تشخیص صحیح اینکه چه اعمال و رفتاری در زندگی، اسباب رسیدن به آن اهداف عالی را فراهم می آورد و نیز عمل بر طبق آن، نیازمند فضائی مطلوب در جامعه است. این مسئله باعث شد که برخی از متفکران اعصار مختلف که در واقع به نوعی این مسئولیت سنگین را بر دوش خود احساس کرده اند، نظریه های مختلفی را درباره جامعه مطلوبی که در آن سعادت بشر تامین می شود، ارائه دهند.

در توضیح باید گفت اندیشمندان پیشامدرن در یک نکته اشتراک نظر داشته اند و آن نگاه هنجاری و ایده آلی به اداره جامعه و اندیشه بشری بود. بنابراین آثار آنها غالباً جهتی تجویزی در راستای اعتلای زندگی فعلی انسانها داشته است. همین نوع تفکر باعث می شد اندیشه مدینه فاضله در آراء برخی اندیشمندان بزرگ کهن اهمیت ویژه ای پیدا کند. اندیشه مدینه فاضله مشعر به مسائلی بود که فیلسوف در آن چگونگی دست پیدا کردن کلیت اجتماع به تعالی و کمال را بررسی می نمود.

اما در این راستا شاید بتوان مهم‌ترین افرادی را که نظریه‌پردازی کرده‌اند، در تاریخ کهن غرب و کهن اسلام، افلاطون و فارابی دانست که هر دو بواسطه آراء فلسفی و نوع نگاه خود به جامعه، تاثیرات شگرفی را در حوزه‌های مختلف اندیشه بشری خصوصا در دو حوزه تمدنی غرب و اسلام بر جای نهادند.

نکته بارز و شاخصی که در اندیشه مدینه فاضله در آثار این دو پیشگام در طرح مدینه فاضله اهمیت می‌یابد، نوع اندیشیدن و چگونگی تجویزهای آن‌دواست که موجب تفاوت اندیشه آن‌ها با دیگران می‌شود. نگاه حکمی و فلسفی افلاطون و فارابی است که تجلی کامل آن در قالب رهبری جامعه نمود می‌یابد. در واقع می‌توان گفت حکمتی که رهبر مدینه فاضله حامل آن است، در جهت‌دهی به اقتضائات جامعه، مفهوم خیر در زمان و وصول به آن در جامعه، نقش اساسی ایفا می‌کند. حکمت سبب می‌گردد فیلسوف در عین استغراق در دنیای نظری خود و اندیشه در باب اصول بنیادین، همواره پلی به جامعه خویش زده و دغدغه وضعیت مطلوب انسان‌ها را نیز داشته باشد. در این جهت تحقیق حاضر سعی دارد جایگاه حکمت را به عنوان نقطه ثقل در مدینه فاضله این دو فیلسوف بررسی نماید.

اهمیت و فایده تحقیق:

1. به کار گرفتن ظرفیت‌های اندیشه فلسفی جهت بارور نمودن اندیشه‌های سیاسی - اجتماعی
2. از آنجا که جوامع بشری برای رسیدن به سعادت و کمال حقیقی نیازمند مبانی نظری و حکمی از جانب بزرگان اندیشه می‌باشند، پژوهش حاضر از این جهت پر اهمیت خواهد بود که

می تواند طرح های مهمی را که در چارچوب اندیشه غرب و اسلام در این باب ترسیم شده است، به صورت مقایسه ای به تصویر کشد.

سابقه تحقیق:

بررسی مدینه فاضله در نوشتارها و تحقیقات گسترده ای انجام شده است و این به دلیل اهمیت این نوع اندیشه در تاریخ فلسفی و اجتماعی است. البته بیشتر تحقیقات انجام شده در این راستا را می توان در آثار کسانی دید که در حوزه سیاست و نه در حوزه فلسفه تحلیل کرده اند. در واقع نگرشی که به منظومه فکری افلاطون و فارابی در طراحی مدینه فاضله شده، نوعاً صبغه سیاسی داشته و کمتر از منظر حکمی و فلسفی به این موضوع پرداخته شده است. این امر شاید بدین دلیل بوده است که بحث از شهر و ساختار حکومتی و روابط حاکمان و مردم، در بدو امر، جنبه سیاسی آن را بیش از حیث فلسفی به ذهن متبادر می نماید. از این رو در تحقیق حاضر سعی بر این است مدینه فاضله به بستر متناسب و مطابق خود که زمینه ای فلسفی و حکمی است، برگردد. لذا در این بحث، جایگاه حکمت در مدینه فاضله افلاطون و فارابی که کمتر مورد مذاقه بوده است، مطالعه و بررسی خواهد شد.

اهداف تحقیق:

1. باز نمودن راهی جهت عینیت بخشیدن به مباحث انتزاعی - فلسفی در ساحت سیاست و

اجتماع

2. نشان دادن اشتراک و تفاوت افلاطون و فارابی در موضوع تحقیق

سؤالات اصلی و فرعی تحقیق:

سؤال اصلی:

جایگاه حکمت در مدینه فاضله از منظر افلاطون و فارابی چیست؟

سؤالات فرعی:

1. حقیقت حکمت نزد افلاطون و فارابی چیست؟
2. مدینه فاضله و مؤلفه‌های آن از دیدگاه افلاطون چیست؟
3. مدینه فاضله و مؤلفه‌های آن از دیدگاه فارابی چیست؟
4. وجوه تشابه و تمایز مدینه فاضله در چارچوب اندیشه افلاطون و فارابی چیست؟

فرضیه‌های تحقیق:

حکمت به عنوان عنصر بنیادین در مدینه فاضله افلاطون و فارابی می‌باشد. در حقیقت حکمت موجب می‌گردد اهالی مدینه به سعادت واقعی نائل شوند. جامعه‌ای که این دو فیلسوف بزرگ در قالب آرمان‌شهر خود مطرح کرده‌اند، جامعه‌ای حکمت محور است. در این اجتماع، کسی شایستگی حاکمیت و زمامداری را پیدا می‌کند که جان خود را از مبانی حکمی سیراب کرده، به معنای واقعی کلمه حکیم باشد. چنین شخصی می‌تواند با بهره‌گیری از دانش و آگاهی حکمی و فضائل نفسانی خود، شهروندان مدینه را در رسیدن به سعادت و کمال حقیقی راهنمایی کند.

روش تجزیه و تحلیل اطلاعات:

این پژوهش به شیوه مطالعه و گردآوری محتوا از روش کتابخانه‌ای و تجزیه و تحلیل مقایسه‌ای و تطبیقی آن‌ها با مد نظر قرار دادن نظر کارشناسان و متخصصان اندیشه فلسفی و سیاسی انجام گرفته است.

گفتار دوم: معرفی مختصر افلاطون

یکی از بزرگ‌ترین فلاسفه جهان و خصوصاً یونان باستان، افلاطون است. وی در آتن و به احتمال قوی در سال 428/427 ق.م در یک خانواده متشخص آتنی متولد شد. این‌گونه که نقل شده، نام اصلی وی آریستوکلس بوده و بعدها به مناسبت پیکر تنومندش نام افلاطون به او داده شده است. نام پدرش آریستون و نام مادرش پریکتیونه بود. خواهرش خارمیدس و برادرزاده کریتیاس بود که هر دو از چهره‌های حکومت‌متنفذین (الیگارش‌ی، سی نفر جبار آتن) در سال 404/403 بودند. افلاطون از نسل اشرافی بود و در یک خانواده اشرافی بزرگ شد. وی در دوره درخشندگی فرهنگ آتنی می‌زیست و در نتیجه از فرهنگی عالی ویژه است.¹

در حقیقت می‌توان زندگی افلاطون را به سه دوره تقسیم کرد:

دوره اول: دوره حیات سقراط

افلاطون از شاگردان وفادار سقراط بود و خصوصیات، آموزه‌ها و اندیشه‌های علمی و اخلاقی استادش، شخصیت وی را در مسیر تکامل و تعالی جهت‌دهی کرد. در آخرین محاوره‌های زندگی

1. فردریک کاپلستون، تاریخ فلسفه یونان و روم، ترجمه سید جلال‌الدین مجتوبی، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران 1368،

ج 1، ص 156

طولانی افلاطون، تحسین‌انگیزترین تصویرها از سقراط مشاهده می‌شود که این خود حکایت از دل‌بستگی و احترام او نسبت به استادش دارد. چرا که سقراط برای او الگو و سرمشق فیلسوف راستین بود.^۱

از آن‌جا که بستگان افلاطون در الیگارشی بودند، به وی اصرار کردند تحت حمایت آنان وارد زندگی سیاسی شود. لیکن سیاست‌های ظالمانه و متجاوزانه الیگارشی باعث شد تا افلاطون از آنان متنفر و بیزار شود. البته لازم به ذکر است که گردانندگان حکومت عامه (دموکرات‌ها) بهتر نبودند. زیرا علت قتل سقراط، آنان بودند و به همین جهت، افلاطون اندیشه کار سیاسی را رها کرد.^۲

دوره دوم: پس از مرگ سقراط

پس از مرگ سقراط، زندگی افلاطون وارد فصل جدیدی شد و آن آغاز مسافرت‌هایش بود. وی آتن را به قصد مگارا ترک کرد و با اقلیدس فیلسوف که در حال پی‌ریزی مکتب مگارایی بود، ملاقات نمود. نقل قول‌هایی از سفر او به کورنه و ایتالیا و مصر است. اما آنچه یقینی است، این است که در چهل سالگی ایتالیا و سیسیل (صقلیه) را دیده است.^۳

دوره سوم: بازگشت به آتن

1. والتر ترنس استیس، تاریخ انتقادی فلسفه یونان، ترجمه یوسف شاقول، انتشارات دانشگاه مفید، تابستان 85، ص 163

2. فردریک کاپلستون، پیشین، ص 157

3. همان، ص 157

آخرین دوره زندگی افلاطون را می توان بازگشت دوباره او به آتن و تاسیس آکادمی دانست. آکادمی را می توان نخستین دانشگاه دنیا نامید. چرا که تحقیقات و پژوهش های وسیعی در علوم مختلف مانند فلسفه، ریاضیات، اخترشناسی و علوم طبیعی در آن جا انجام می شد.

هدف افلاطون از تاسیس آکادمی، تعلیم مسائل انتزاعی صرف نبود. بلکه پروردن سیاست-مداران و حاکمان شجاع بود که بدون هیچ گونه واهمه ای در ارتباط با عقاید مبتنی بر حقایق جاوید و لایتغیر عمل خواهند کرد. افلاطون علاوه بر سرپرستی و رهبری آکادمی خود درس هایی می داد و شنوندگان از این درس ها یادداشت بر می داشتند. وی در آتن به فعالیت های خود تا پایان عمر در سال 348/347 ادامه داد.¹

آثار افلاطون

_ آپولوژی: دفاعیه سقراط در دادگاه محاکمه اش (Apology)

_ کریتون (اقریطون) (Crito) سقراط همچون شهروند نیکی نمایش داده می شود که علی رغم محکومیت غیر عادلانه اش، حاضر است در راه اطاعت از قوانین کشور از حیات خود صرف نظر کند. کریتون و دیگران راه فرار از زندان را به او پیشنهاد کردند و برای این کار پول فراهم ساختند. اما سقراط اعلام می کند که می خواهد بر اصول خود استوار و ثابت قدم بماند.

_ اتوفرون (Euthyphron) سقراط در انتظار محاکمه خود به اتهام بی دینی است.

_ گرگیاس (Gorgias) سیاست مدار عملی - عدالت به هر قیمت

_ منون (Meno) آموختنی بودن فضیلت با توجه به نظریه مثالی تصحیح شده است.

1. همان، ص 160-158

_ اوتودموس (Euthydemus) در مخالفت با مغالطات منطقی سوفسطائیان متأخر

_ فیدون (Phaedo) مثل و فنا ناپذیری

_ جمهوری (Republic)

_ فدروس (Phaedrus) ماهیت عشق، امکان خطابه فلسفی، سه جزئی بودن نفس

_ پارمنیدس (Parmenides) دفاع از نظریه مثالی در مقابل انتقاد

_ سوفسطائی (Sophistes) نظریه مثل دوباره بررسی شده است.

_ مرد سیاسی (Politicus) حاکم راستین (دانا) است.

_ فیلبوس (Philebus) رابطه با لذت با خیر^۱

_ قوانین

البته لازم به ذکر است که در پژوهش حاضر با توجه به محوریت حکمت در آرمان شهر

افلاطونی، بیشترین استفاده از آثار جمهوری، مرد سیاسی و قوانین خواهد بود.

گفتار سوم: معرفی مختصر فارابی

ابونصر فارابی که نام کاملش أبو نصر محمد بن محمد بن طرخان اوزلوغ است، در دهکده وسیج از توابع شهرستان فاراب، به سال 259 ه.ق / 873 م متولد شد. شهر فاراب در بالای رود سیحون قرار دارد که از شهرهای ترک‌نشین بود و اهالی آن از قرن سوم هجری به اسلام گرویدند.^۱

درباره نژاد فارابی اختلافاتی وجود دارد، به طوری که والترز و ابن ابی أصیبعه فارابی را ترک-نژاد و در مقابل دبور نعمه فارابی را ایرانی‌تبار و از خانواده‌ای پارسی برمی‌شمارند. البته هیچ نشانه‌ای که انتساب او را به نژاد ترک تایید کند، در آثار او مشاهده نمی‌شود، لیکن باید توجه داشت که "طرخان" و "اوزلوغ" هر دو از اسامی ترکی هستند.^۲

1. ابن خلکان، محمد بن محمد، وفيات الأعیان، ج 1 و 2، بی جا، بی تا، ص 100 به بعد
2. فرناز ناظرزاده کرمانی، فلسفه سیاسی فارابی، انتشارات دانشگاه الزهراء، سال 1376، ص 6

شاید بتوان گفت که دو واقعه در زندگی فارابی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ اولین واقعه عزیمت وی به مدینه السلام و تعلیم و تعلم او در حوزه فلسفی مکتب بغداد است که سبب تسلط وی بر فلسفه یونانی افلاطونی، مشائی و نوافلاطونی شد.

دومین حادثه، ترک بغداد به مقصد دمشق بود. فارابی در اواخر عمر خویش دعوت سیف-الدوله حمدانی، حاکم شیعی مذهب حلب را قبول کرد و به آنجا هجرت نمود.^۱ البته در خصوص علت و چرایی ترک بغداد نقل‌ها و اختلافاتی وجود دارد که به جهت اختصار آن‌ها را ذکر نمی‌کنیم.

از اساتید مبرز فارابی "ابوبشر متی بن یونس" است. صاحب وفيات الأعیان او را "شیخ کبیر"، و فارابی را از شاگردان ساعی و پرتلاش حلقه او می‌داند.

به گفته ابن خلکان، این استاد دارای حسن عبارت و شهرت بالایی بوده و منطق ارسطو را برای شاگردان خود شرح می‌کرده است. فارابی طریق تفهیم مفاهیم کثیر را با الفاظ ساده از ابوبشر فراگرفت.^۲

فارابی در راه تحصیل علم از هیچ تلاش و رنجی دریغ نکرد. تا جایی که ابن خلکان در جلد دوم وفيات الأعیان می‌نویسد: «او نگهبان یکی از باغ‌های دمشق بود و شب‌ها بیدار می‌ماند و زیر نور چراغ پاسبان، به مطالعه و تألیف می‌پرداخت.»^۳

1. همان، ص 7

2. ابن خلکان، پیشین، ج 2، ص 191

3. همان، ص 193

هوش وافر و زحمات بی‌وقفه او باعث شد تا فارابی را از بزرگ‌ترین فلاسفه جهان اسلام و نیز مؤسس فلسفه اسلامی بنامند.

در قرن پنجم هجری لقب "معلم ثانی" را به فارابی دادند. "ت.ج.دبور" گفته است از آن جا که او ارسطوی مشرق‌زمین است، این لقب به او اعطا شده است. سید حسین نصر طبقه‌بندی علوم از ناحیه فارابی را دلیل این لقب می‌داند.¹

مقام رفیع علمی فارابی سبب شد تا بزرگان متعددی از آن سخن بگویند. غزالی در ابتدای کتاب تهافت می‌گوید: «من در میان فلاسفه اسلام، چنانکه همگان عقیده دارند، از ابونصر فارابی و ابوعلی کسی را برتر نمی‌شناسم. از این رو در مباحث علمی فقط بر این دو اعتراض می‌کنم. زیرا اگر خطای این دو ثابت شد، خطای دیگران به طریق اولی ثابت است.»²

بوعلی می‌گوید از فلسفه ارسطو راجع به ماوراءالطبیعه بهره نمی‌برد تا رساله ابونصر را به دست آورد و اغراض مابعدالطبیعه را فهمید. همچنین قاضی صاعد اندلسی در کتاب طبقات الأمم می‌گوید: فارابی بر همه حکما غلبه کرد و فلسفه ارسطو را چنان تلخیص و تهذیب نمود که همه علما به فضیلت او معترف شدند.³

آثار علمی فارابی از تنوع خاصی برخوردار است، به طوری که او در علوم مختلفی همچون فلسفه، منطق، نجوم، طبیعیات و الهیات، موسیقی، ادبیات و سیاست قلم زده است.

برخی از آثار علمی این فیلسوف بزرگ به شرح ذیل می‌باشد:

1. فرناز ناظرزاده کرمانی، پیشین، ص 3-4

2. ابونصر فارابی، إحصاء العلوم، ترجمه حسین خدیو جم، انتشارات علمی و فرهنگی، 1381، ص 28 و 29

3. همان، ص 28 و 29

آراء اهل المدینة الفاضله، إحصاء العلوم، تحصیل السعادة، السياسة المدنیة، فصول المنتزعه، الجمع بین رأی الحکیمین، فصوص الحکم، تلخیص النوامیس، الملة، موسیقی الکبیر، جوامع الشعر البتة آثار علمی فارابی را که در دسترس است، بیش از 50 اثر نوشته‌اند که به علت اختصار به این مقدار بسنده می‌کنیم.^۱

فارابی در رجب سال 339 ه.ق / ژانویه 951 م. در دمشق وفات کرد و در "باب الصغیر" به خاک سپرده شد.^۲

گفتار چهارم: مفهوم‌شناسی

بخش اول: حکمت و فلسفه

ریشه اصلی حکمت نزد لغویون:

حکمت در لغت به معنای حکم است. لغویون برای "حکم" دو معنای اساسی بیان کرده‌اند:

الف) اصل و ریشه معنای "حکم"، منع است.^۳ منعی که در جهت اصلاح باشد.^۴

به افسار حیوانات هم به این جهت "حکمه" گفته می‌شود که حیوان را از چموشی باز می‌دارد.

"سُمِّتَ حَكَمَهُ الدَّابَّةَ لِأَنَّهَا تَمْنَعُهَا."^۵ و عرب هرگاه شخص عاقل، سفیهی را از انجام کاری سفیهانه

1. محسن مهاجرنیا، اندیشه سیاسی فارابی، انتشارات بوستان کتاب، 1386، ص 75-78

2. ابن خلکان، پیشین، ص 100

3. احمد بن فارس بن زکریا، معجم مقاییس اللغة، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، مکتبه الأعلام الإسلامی، 1404ق، ج 2، ص 91

4. حسین بن محمد راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، چاپ اول، دمشق، بیروت، دارالعلم الدارات میه، 1412ق، ص 249

5. احمد بن فارس بن زکریا، پیشین، ص 91

بازدارد، می گوید: "حَكَمْتُ السَّفِيهَ وَ أَحْكَمْتُهُ"^۱ که در این استعمالات، معنای مانعیت در واژه حکم اخذ شده است.

ب) محکم و مستحکم بودن: جوهری و برخی دیگر از علمای اهل لغت بر این باورند که "حکم" در باب افعال، به معنای محکم و مستحکم بودن است. «أَحْكَمْتُ الشَّيْءَ وَ اسْتَحْكَمْتُ، أَيْ صَارَ مُحْكَمًا»^۲

1. اسماعیل بن حماد جوهری، الصحاح تاج اللغة و صحاح اللغة، چاپ چهارم، بیروت، دارالعلم للملایین، 1407، ج 5،

ص 1902

2. همان، ص 1902

واژه حکمت

"حکمت" بر وزن فعله مصدر است و از آن جهت که مانع از جهالت و نادانی شده و حکیم را از اخلاق ناپسند منع می کند، مرتبط با معنای قبل می باشد. همچنین بر علمی اطلاق می شود که از استحکام و اتقان کافی برخوردار باشد و مطلقاً اشتباه در آن نباشد.¹

ابن فارس در مقایسه می نویسد: «لأنها تمنع من الجهل و تقول حکمت فلانا تحکیمنا منعه عمّا یزید.»²

اهل لغت معانی مختلفی برای این واژه ذکر کرده اند. مثلاً در تاج العروس من جواهر القاموس، حکمت را به معنای قدر و منزلت آورده و می گوید: «الحکمة: القدر و المنزلة و منه حدیث عمران: العبد إذا تواضع رفع الله حکمته، أي قدره و منزلته.»³

همچنین حکمت به معنای عدل و علم به حقایق اشیاء و نیز حلم که جلوگیری نفس از غضب است، آمده است.⁴

این بررسی لغوی حکایت از آن دارد که ریشه حکمت به معنای منع بوده و در هر دو قسم حکمت ملحوظ واقع شده است. در قسمت نظری، حکمت چیزی است که از جهل جلوگیری می کند و در جنبه عملی، انسان را از اخلاق ناپسند بازمی دارد.

1. فخرالدین طریحی، مجمع البحرین، تحقیق سید احمد حسینی، تهران، 1375 ش، ج 6، ص 45
2. احمد بن فارس بن زکریا، پیشین، ص 91
3. محمد مرتضی زبیدی، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت: دار المکتبة المیاه، ج 8، ص 253
4. همان، ص 253

حکمت و فلسفه:

حکمت در اصطلاح مترادف کلمه فلسفه می‌باشد. اصل لغت فلسفه ریشه یونانی داشته و مصدر جعلی عربی کلمه "فیلوسوفیا" است. فیلوسوفیا کلمه‌ای مرکب از "فیلو" و "سوفیا" است. کلمه "فیلو" به معنای دوست‌داری و "سوفیا" به معنای دانایی است. در نتیجه کلمه "فیلوسوفیا" به معنای دوست‌داری دانایی است و کلمه فلسفه به معنی فیلسوفی‌گری است.^۱

سقراط به دلیل تواضع و یا شاید احتراز از هم‌ردیف شدن با سوفیست‌ها، که در استدلال‌های خود مغالطه می‌کردند، خود را "فیلسوف" یعنی دوست‌دار دانش معرفی کرد.

با گذر زمان کلمه "سوفیست" از مفهوم "دانشمند" به مفهوم "مغالطه‌کار" تنزل، و کلمه "فیلوسوفیا" از مفهوم "دوست‌دار دانش" به مفهوم "دانشمند" ارتقا یافت. کلمه "فلسفه" نیز مرادف با کلمه "دانش" شد.

"فلسفه" در اصطلاح شایع مسلمین به مطلق دانش‌های عقلی در مقابل دانش‌های نقلی از قبیل فقه، اصول، تفسیر، بیان و... گفته می‌شود. بالتبع به کسی فیلسوف گفته می‌شود که جامع همه علوم عقلی آن زمان مانند الهیات، ریاضیات و طبیعیات و... بوده باشد.^۲

حکمت یا فلسفه را در یک تقسیم‌بندی ارسطویی می‌توان به دو بخش نظری و عملی تقسیم کرد.

۱. فخرالدین طریحی، مجمع البحرین، ج 5، ص 107، نسخه نرم افزاری

۲. مرتضی مطهری، مجموعه آثار، چاپ سوم، انتشارات صدرا، جلد 5، ص 128-129

"حکمت نظری" آن است که درباره اشیاء، آنچنانکه هستند بحث می کند و "حکمت عملی"

درباره افعال انسان، آنچنانکه باید و شایسته است، بحث می کند.

حکمت نظری بر سه قسم است: الهیات یا فلسفه علیا، ریاضیات یا فلسفه وسطی، طبیعیات یا

فلسفه سفلی.

البته خود فلسفه علیا مشتمل بر امور عامه و الهیات بالمعنی الأخص است. ریاضیات نیز به

چهار بخش حساب، هندسه، هیئت و موسیقی تقسیم می شود.

حکمت عملی نیز به سه بخش تقسیم می شود: علم اخلاق، تدبیر منزل و سیاست مدن.¹

گاه در بخش هایی از تقسیم بندی فلسفه، اختلافاتی به چشم می خورد. بطور مثال شیخ الرئیس

بوعلی سینا پس از آنکه حکمت را به اصول و فروع، و اصول را به آلی و غیر آلی، و غیر آلی را

به نظری و عملی تقسیم می کند، بخش چهارمی را برای حکمت عملی به نام الصنّاعه الشّارعه

(علم النوامیس) قرار می دهد. این قسم برخلاف سه قسم قبلی که مربوط به رفتار فردی و یا

خانواده یا جامعه بود، در خصوص قوانین مربوط به این سه حوزه است که باید با هم هماهنگ

شوند و البته این هماهنگی علمی جداگانه می طلبد. در میان بخش های مختلف حکمت، یک

قسمت امتیاز ویژه ای دارد و آن فلسفه اولی یا الهیات بالمعنی الأخص است. شیخ الرئیس بوعلی

در الهیات شفا دلایل متعددی برای این امتیاز ذکر می کند. او می نویسد:

«لأنّ العلم بأوّل الأمور فی الوجود و هو العلّة الأول و أوّل الأمور فی العموم، و هو الوجود و

الوحده. و هو أيضا الحکمه التي هي أفضل علمٍ بأفضل معلوم. فإنّما أفضل علم أي اليقين، بأفضل

1. همان، ص 129

2. ابن سینا، منطق المشرّیین، مکتبه آیه الله مرعشی، ص 8

المعلوم أى بالله تعالى و بالأسباب من بعده. و هو أيضا معرفه الأسباب القصوى للكل. و هو أيضا
المعرفه بالله...»¹

معلم ثانی أبونصر فارابی نیز شناختن علت نخستین یعنی واجب الوجود بذاته را تنها با قرار
گرفتن حکمت ممکن می‌داند. او در فصول منتزعه در تعریف حکمت می‌گوید:

«فإنَّ الحكمة إذ كانت هي وحدها تعلم الواحد الأوّل الذي عنه استفاد سائر الموجودات الفضيله
و الكمال و تعلم كيف استفاد عنه و كم مقدار ما نال كل واحد من قسط الكمال».²

بنابراین از نظر قدمای فلاسفه، اصطلاح "فلسفه" در دو معنی استعمال می‌شده: یک معنای
شایع که مطلق دانش‌های معقول بود و فیلسوف یعنی جامع همه علوم معقول. و دیگری عبارت
بود از فلسفه اولی که یکی از شعب سه گانه حکمت نظری است.³

مدینه فاضله

مدینه بر وزن فعیله به معنای شهر است. از آنجا که انسان مدنی بالطبع آفریده شده است، برای
ادامه بقاء خود، چاره‌ای جز تن دادن به زندگی اجتماعی ندارد. چرا که او نمی‌تواند به صورت
انفرادی از عهده نیازهای مادی و معنوی خود برآید. همین امر موجب تشکیل جامعه می‌گردد.

در حقیقت مدینه‌ای که افلاطون و فارابی به عنوان دو پیشگام بزرگ این عرصه از آن یاد می-
کنند، بستری مناسب برای نیل به کمالات عالیه فراهم می‌آورد. لذا وصف فاضله را برای آرمان-
شهر می‌آورند.

1. ابن سینا، الشفاء، الألهیات، انتشارات ذوی القربی، قم 1430، مقاله الأولى، الفصل الثانی، ج 1، ص 15

2. أبونصر فارابی، فصول المنتزعه، تحقیق الدكتور فوزی متری نجّار، المكتبة الزهراء(س)، ص 62

3. مرتضی مطهری، پیشین، ص 130

می توان گفت افلاطون نخستین فیلسوفی است که بحث از آرمان شهر را با اصول و ضوابطی خاص در جهت تربیت نفوس انسانی بنا نهاد. وی در کتاب جمهوری، فضائل چهارگانه ای را برای آرمان شهر خود برمی شمرد:

دانایی - شجاعت - خویشتن داری - عدالت^۱

او در ادامه با توضیحاتی جایگاه هر یک از این خصایص اخلاقی را با توجه به افراد جامعه شرح و بسط می دهد.

تاثیر منظومه فکری افلاطون بر فارابی در طرح مدینه فاضله غیر قابل انکار است. البته لازم به ذکر است که معلم ثانی ابداعات شگرفی را در این طرح ریزی از خود نشان داده است.

برای مثال فارابی اجتماع را به دو نوع کامل و ناقص تقسیم می کند و در "آراء اهل المدینه الفاضله" اجتماعات کامل را به سه نوع می داند:

الف) اجتماع عظمی: این اجتماع عبارتست از اجتماع همه جماعات که در قسمت مسکونی و "معموره ارض" است. این اجتماع شامل همه انسان های روی کره زمین می شود.

ب) اجتماع وسطی: عبارتست از اجتماع امتی که در جزئی از قسمت معموره ارض باشند. این اجتماع حداقل از سه مدینه و دولت شهر تشکیل می شود.

ج) اجتماع صغری: اجتماع مردم یک مدینه است که در واقع در جزئی از محل سکونت یک امت است.^۲ پس در حقیقت می توان گفت مدینه، کوچک ترین بخش از اجتماعات کامل فارابی

1. افلاطون، جمهوری، پیشین، ص 944-952

2. ابونصر فارابی، آراء اهل المدینه الفاضله، تحقیق دکتر علی بوملحم، مکتبه الهلال، ص 112-113

است که ما از آن به مدینه فاضله فارابی یاد می کنیم. سپس معلم ثانی با محوریت فضیلت، مدینه را به دو قسم فاضله و غیر فاضله تقسیم کرده، مدینه غیر فاضله را چهار نوع می داند:

1- مدینه جاهله - 2- مدینه فاسقه - 3- مدینه مبدله - 4- مدینه ضاله

إنشاءالله در فصول آتی بحث های مبسوطی در خصوص ماهیت و چیستی مدینه فاضله و اقسام

و طبقات آن مطرح خواهد شد.

